

صفحه ۸

یکشنبه ۲۳ شهریور ۱۴۰۴

۲۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ – شماره ۲۳۹۵۲



سیر فرهنگ و هنر اسلامی در اروپا

داستان تصرف آفریقا: نبرد با رومیان

بخش ششم **فائزه ریاحی**

در محرم ۲۰ ه‍.ق (دسامبر ۶۴۰ م) مصر که در این تاریخ مستعمره رومیان بود بدست عمروعاص فتح شد و با فتح مصر راه به سوی غرب و سایر مستعمرات امپراطوری روم باز شد.

طبیعی بود که مصر مرکز حکومت عرب برای شمال آفریقا باشد و فرماندهان سپاه در افریقیه به وسیله والی مصر تعیین شوند.

پیشرفت سریع اسلام در سرزمین‌های امپرواپطوری بزرگ روم و فارس بسیاری از محققان و تاریخ‌نویسان را به شگفتی وا داشته است.

با وجود اینکه با فتح مصر راه به سوی غرب و فتح شمال آفریقا باز شده بود پیشرفت و توسعه اسلام در این منطقه با مشکلات طبیعی و مقاومت نیروهای روم و بربر (از طرف رومیان به مردم بومی سرزمین آفریقا داده شده بود) مدتی بیشتر از نیم قرن به درازا کشید.

چونکه مردم بومی این سرزمین که از آنان با نام بربر یاد می‌گردد اغلب بت‌پرست و یا بر آیین مسیحیت بودند. بعضی از مورخین بر این اعتقاد هستند که آیین یهود در قبائل بربر بخصوص قبائل کوه‌های (اوراس) شیوع داشته و کاهنه ملکه اوراس که در برابر نیروهای عرب مدت‌ها مقاومت کرده بود، خود رهبری دینی این قبائل را برعهده داشته است.

البته شکی نیست که بسیاری از مردم بربر با فشار رومیان آیین مسیحیت را پذیرفته بودند و فشار حکومت رومیان آن‌ها را آماده انقلاب و پذیرفتن فاتح جدید کرده بود.

عقبه بن نافع که از طرف والی مصر امیر برقه (در خاک لیبی) بود در سال ۵۰ ه‍.ق (۶۷۰ م) مأمور افریقیه شد و به سوی غرب لشکر کشید از آنجا که این مرد صحنای افسری دلبرو شجاع بود موفق شد تا به مغرب اقصی که همان مراکش فعلی است لشکر راند و تمام شهرها و قلعه‌ها را فتح کرد عقبه شهر قیروان را در تونس تأسیس کرد و آن را مرکز افریقیه قرار داد. بعدها پایگاه قیروان نقش مهمی در فتوحات اسلامی و دفاع از سرزمین اسلامی ایفا کرد.

عقبه بن نافع سال ۶۲ ه‍.ق در جنگ با گسیله بربری به قتل رسید و تا ده سال اوضاع این منطقه آشفته بود. تا اینکه عبد الملک مروان سال ۷۳ ه‍.ق (۶۹۲ م) حسان بن نعمان (مؤسس مسجد جامع قیروان) را مأمور افریقیه کرد و او توانست پس از آرام کردن اوضاع و سرکوب کردن مخالفان به «کارناژ» که تا این تاریخ همچنان در تسلط رومیان بود حمله کند و با انهدام سورها و قلعه‌های کارناژ (نام شهری باستانی در شمال آفریقا) آن را فتح کند.

در سال ۸۶ ه‍.ق (۷۰۵ م) ولید بن عبدالملک خلیفه شد و پسر خود عبدالله را به ولایت مصر رساند. یک سال بعد عبد الله، حسان را عزل نموده و به جای او موسی بن نصیر لخمی را مامور افریقیه کرد. این فرمانده همان کسی است نقشه فتوحات شبه جزیره ابریا و یا اندلس را عملی کرد. موسی بن نصیر در سال ۸۴ به دستور عبدالعزیز والی مصر در بعضی از فتوحات افریقیه شرکت کرده بود و با این منطقه و گرایش‌های مردم و مشکلات آن‌ها آشنایی کامل داشت، او در مدتی کوتاه قبائل بزرگ و نارام «هواره»، «زنانه»، «کتامه»، «صنهاجه» را با وعده و وعید آرام کرد و آخرین نقطه مغرب که شهر طنججه بود و تا آن زمان هنوز فتح نشده بود حمله کرد و مقاومت بربرها و مخالفینی را که در این سنگر جمع شده بودند در هم شکست و طارق بن زیاد را که افسری جوان و نیرومند بود را والی این شهر کرد و به سایر نقاط هم لشکر کشید و همه جا را مطیع و آرام کرد، هزاران نفر از مردم تازه مسلمان شده بربر را به خدمت در سپاه خود دعوت کرد و از رؤسای بربر دلجویی کرد. موسی بن نصیر تلاش زیادی برای تبلیغ و انتشار اسلام میان بربرها کرد در نتیجه در زمان او دوره تازایی با آرامش و آسایش آغاز شد.

اولین کارخانه کشتی‌سازی در مغرب

شکست رومیان در کارناژ به از دست دادن سایر بنادر و مراکز آنان در شمال آفریقا به استثنای (سبته یا سبتوه) که تابع دولت گوت اسپانیا بود منتهی شد.

ولسی آنان برای انتقام و بازپس گرفتن مناطق از دست داده با نیروی دریائی مجهز مرتب به شهرهای بندری حمله کرده و آن‌ها را غارت می‌کردند، به‌ آن ترتیب وضع نارام و خطرناکی در مرزهای ساحلی افریقیه به‌وجود آورده بودند.

به دستور موسی بن نصیر در کنار خرابه‌های کارناژ بندری برای ساختن کشتی تأسیس گردید که اولین کارخانه و یا بندر کشتی‌سازی در تاریخ اسلام است.

موسی بن نصیر توانست بعد از مدتی کوتاه نیروی دریائی مجهز و قوی به‌وجود آورد که حمله به جزایر و متصرفات روم در دریای مدیترانه از جمله جزایر «لیبار»، «هایورکا»، «سیسیل» و... را آغاز کند.مهم‌ترین این جنگ‌های دریایی حمله به جزیره سیسیل بود که از آن با نام غزوة الاشراف (جنگ بزرگان) یاد می‌شود. به علت تعداد بزرگان مسلمانی که در آن شرکت داشتند و به این ترتیب تمام جزایر و بنادر را از نیروی دریایی رومیان پاک کرده و دیگر پایگاه دریایی در اختیار آن‌ها باقی نماند به جز شهر سبته در شمال خاک مراکش فعلی که همچنان تابع حکومت گوت‌ها بود و تبعید زاده‌ای به نام کونث ژولیان بر آن حکومت می‌کرد چون که با وضعیت جغرافیایی طبیعی آن که حصارى از کوه از همه طرف آن را محاصره کرده است این مرکز همچنان در قدرت و نفوذ گوت‌ها باقی مانده بود.

کارنامه پر حاشیه نادره رضایی از انتصاب جنجالی تا برکناری با پیگیری مجلس



برگزاری جشنواره موسیقی سال گذشته با عدم برنامه‌ریزی مناسب و بروز ناهنجاری‌های اخلاقی، جشنواره عروسی تهران با انتقادات گسترده درباره محتوا و اجرا و جشنواره کوچه با حاشیه‌های مالی و اداری از جمله این موارد بودند. علاوه بر این، اعتراضات هنرمندان تئاتر به انتصابات تخصصی و غیرصنفی در این دوره، بر دامنه مشکلات مدیریتی افزود.

ارتباطات مشکوک و فعالیت‌های غیرمتعدانه

رسانه‌ها همچنین‌های ارتباطات خانوادگی و شخصی رضایی اشاره کرده‌اند. انتشار عکس‌های خواهر وی، آمنه رضایی، در کنار عالیه مطلب‌زاده و نرگس محمدی، حمایت‌های علنی از کنسرت‌های جنجالی مانند اجرای فرضی پرستو احمدی در نزدیکی قم، اظهارماتی درباره وفاداری فرهنگی وی ایجاد کرد. همچنین، دیدار وی با گلی امامی (همسر کریم امامی، از مخالفان نظام) و همچنین آرزو سرگردان (فعل سیاسی با سابقه اعتصابات ۸۸) در پست مشاورتی، به این شباهت دامن زد.

واکنش نهادهای نظارتی و برکناری

امیرحسین ثانی، نماینده مجلس، با تأیید برکناری رضایی، آن را نتیجه پیگیری‌های مستعمر کمسیون فرهنگی مجلس و پاسخ به درخواست‌های مردمی عنوان کرد. حتی پایگاه‌های خبری نزدیک به دولت نیز به عملکرد ضعیف و حاشیه‌ساز وی انتقاد کرده و عذرخواهی اخیر او را ماجرایی کنسرت شجریان را نمایش و سیاسی خواندند.

او را یک تلنگر بنامید

برکناری نادره رضایی بار دیگر نشان داد که انتصاب‌های غیرکارشناسی و بدون توجه به شایستگی‌های حرفه‌ای، اعتماد عمومی به نهادهای فرهنگی را نیز مخدوش می‌سازد و ضربات جبران‌ناپذیری تحمیل می‌کند. ضرورت دارد در انتصاب‌های آتی، شایسته‌سالاری و تعهد انقلابی به عنوان معیارهای اصلی در نظر گرفته شوند.

نقطه پایان یک بحث، بلکه باید نقطه شروعی برای تفکر و پرسشگری باشند.

این داستان‌ها می‌توانند میدانی برای گفت‌وگو درباره مفاهیمی چون عدالت، بخشش، ایمان، شک، سرنوشت و اختیار فراهم کنند.

روایت این قصه‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که مخاطب را به چالش بکشد و او را به فکر وادارد. به جای ارائه یک تفسیر قطعی و بسته‌بندی‌شده، باید فضایی ایجاد کرد که در آن جوانان بتوانند برداشت‌های خود را به اشتراک بگذارند، سؤالات خود را بی‌پرده بپرسند و به دریافتی درونی از این مفاهیم عمیق برسند.

اینجاست که قصه از یک روایت تاریخی صرف، به یک تجربه معنوی زنده تبدیل می‌شود.

در نهایت، نیاز نسل جدید به قصه‌های دینی، نیازی از سر تفتن نیست؛ یک ضرورت برای ساختن جهانی معنادارتر و انسانی‌تر است.

این داستان‌ها، نقشه راهی هستند که می‌توانند در دنیای پیچیده و پراشوب امروز، به جوانان کمک کنند تا مسیر خود را پیدا کرده، هویت خود را بسازند و به آرامشی درونی دست یابند. این وظیفه ماست که غبار زمان را از چهره این گنجینه برداییم و آن را به زبانی نو و قابل فهم، به نسل آینده هدیه دهیم.



موج تحریم‌های فرهنگی علیه اسرائیل حمایت هنری از فلسطین در سایه جنگ غزه

سازاندون و ملیسا باررا که به دلیل پست‌های انتقادی، قراردادهایشان را از دست دادند. در نهایت، این تحریم‌ها بخشی از تلاش گسترده‌تر برای فشار بر اسرائیل به منظور پایان دادن به اشغال و خشونت است، در واقع این اقدامات ابزاری برای تقابل با صدای رسانه‌های زنجیره‌ای و جریان اصلی اسرائیلی‌ها است. با ادامه جنگ، انتظار می‌رود این جنبش فرهنگی نیز همچنان گسترش یابد و تأثیرات بلندمدتی بر روابط هنری بین‌المللی بگذارد، در حالی که فلسطینیان از آن به عنوان نمادی از «مقاومت خلاقاتنه» یاد می‌کنند.

خواستار تحریم اسرائیل به دلیل تأثیر جنگ بر ورزشکاران فلسطینی شدند. با این حال، کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) چنین تحریم‌هایی را رد کرد. در آمریکا، جایی که تنش‌ها در نهادهای فرهنگی مانند مجلات هنری و کتابخانه‌ها بالا گرفته، هنرمندانی که از غزه حمایت می‌کنند با لغو نمایشگاه‌ها و فرصت‌های شغلی روبه‌رو شده‌اند، در حالی که اعتراضات گسترده‌ای علیه «سانسور» شکل گرفته است. می‌توان این موج را نشان دهنده شکاف عمیق در جوامع هنری غربی دانست، جایی که حمایت از فلسطین گاهی به قیمت حرفه هنرمندان تمام می‌شود – مانند سوزان



– «برنده‌ها نمی‌ترسند... حتی وقتی دنیا پر از صدا و دود باشد»

مادر به نقاشی نگاه کرد و آهی کشید. برای لحظه‌ای چهارش نرم شد، انگار در دل همه آن ترس‌ها، لبخند کوچکی راه پیدا کرده باشد.

– «مریم جان، خدا نگهدارت باشه... تو همیشه امید رو زنده نگه می‌داری.»

اما بیرون، محله آنها زیر آوار دود و آتش فرو می‌رفت. صدای جیغ زن‌ها، گریه بچه‌ها و فریاد مردانی که به دنبال مجروح‌ها می‌دویدند، همه از پشت دیوارها شنیده می‌شد. مریم چشم‌هایش را بست و برای لحظه‌ای خود را دوباره کنار ساحل دیشب تصور کرد، جایی که ستاره‌ها آرام می‌درخشیدند و دریا بطری‌های ناماش را با خود می‌برد.

اما حالا هیچ ستاره‌ای نبود. آسمان، سیاه و بی‌پنجره شده بود.

شیوه روایت ماست. اصرار بر تکرار قصه‌ها در قالب‌های سنتی و لحن موعظه‌آمیز، جوانان را پس می‌زند. نسل جدید به دنبال تعامل، تجربه و اصالت است.

برای برقراری ارتباط، باید زبان آنها را فهمید. چرا داستان‌های دینی نتوانند در قالب انیمیشن‌های جذاب، رمان‌های مصور (گرافیک ناول)، بازی‌های ویدیویی تعاملی و یا پادکست‌های خوش‌ساخت بازآفرینی شوند؟ می‌توان قهرمانان دینی را نه به‌عنوان شخصیت‌های دست‌نیافتنی و مقدس، بلکه به‌عنوان انسان‌هایی با نقاط قوت و ضعف،

می‌کنند. این قصه‌ها فقط مجموعه‌ای از حوادث تاریخی نیستند؛ بلکه حامل الگوهای جهانی و کهن‌الگوهایی هستند که به اساسی‌ترین پرسش‌های بشر پاسخ می‌دهند: من کیستم؟ هدف از زندگی چیست؟ چگونه

باید با رنج و بی‌عدالتی روبه‌رو شوم؟ داستان ابراهیم(ع) و شکستن بت‌ها، روایتی از شجاعت در برابر باورهای غلط جمعی است. داستان یوسف(ع)، قصه عبور از تاریکی حسادت و خیانت به سوی روشنایی

گنج پنهان قصه‌ها

رضا جعفریان -----

چرا جوانان امروز به روایت‌های دینی نیاز دارند؟

بخشش و مدیریت است و ماجرای موسی(ع) و مبارزه با فرعون، نماد تقابل امید با استبداد است. این روایت‌ها به نسل جدید یک چارچوب اخلاقی و هویتی می‌بخشند و به آنها نشان می‌دهند که در مواجهه با چالش‌های مدرن، تنها نیستند و ریشه‌هایی عمیق در تاریخ انسانیت دارند.

می‌کنه در جامی نو: زبان مشترک با نسل جدید

البته که نمی‌توان این گنجینه را با همان ابزارهای صد سال پیش به نسل امروز عرضه کرد. مشکل از خود قصه‌ها نیست، بلکه از

و انسانی به معنا، هویت و آرامش نهفته است که این قصه‌های جاودانه، بهتر از هر محتوای زودگذر دیگری می‌توانند به آن پاسخ دهند.

جست‌وجوی لنگرگاه

در دریای طوفانی اطلاعات

نسل جدید، نسلی پرسشگر و مضطرب است. آنها در معرض بمباران اطلاعاتی قرار دارند که اغلب سطحی، متناقض و فاقد عمق است. این سردرگمی، بحران هویت و پوچی را به یکی از اصلی‌ترین چالش‌های روانی آنها تبدیل کرده است. در چنین فضایی، داستان‌های دینی مانند یک لنگرگاه عمل در حالی که جنگ صهیونیست‌ها در غزه وارد بیست و چهارمین ماه خود شده و بیش از ۶۴ هزار فلسطینی را به کام مرگ کشانده، موجی از تحریم‌های فرهنگی توسط هنرمندان و نهادهای هنری جهان، به ویژه در آمریکا و اروپا، علیه اسرائیل ادامه دارد. این تحریم‌ها، که اغلب تحت چتر جنبش تحریم، عدم سرمایه‌گذاری و تحریم‌ها سازماندهی می‌شوند، نهادهای هنری اسرائیل را متهم به مهندستی در «تسل‌کشی» و «پارتاید» علیه فلسطینیان می‌کنند. هنرمندان برجسته‌ای از هالیوود تا نویسندگان اروپایی، با امضای بیانیه‌ها و تمهیدات، از همکاری با جشنواره‌ها، ناشران و موزه‌های اسرائیلی خودداری کرده‌اند. در حالی که این اقدامات واکنش‌های تندى از سوى محافل یهودى و دولت اسرائیل برانگیخته است.



صبح هنوز به‌درستی طلوع نکرده بود که صدای غرش هواپیماها سکوت محله را در هم شکست. خانه کوچک مریم مثل قایقی در طوفان تکان می‌خورد و سقفش صدای خش‌خش می‌داد. او از خواب پرید، نفس‌هایش کوتاه و تند بودند، و برای لحظه‌ای نمی‌دانست در خواب است یا بیداری. صدای انفجار، مثل پتکی آهنین، قلبش را لرزاند و گرد و خاک از گوشه سقف پایین ریخت. یوسف، برادر هفت‌ساله‌اش، با چشم‌هایی پر از وحشت دوید و خودش را در آغوش مریم انداخت.

– «مریم! داره خونه‌مون می‌ریزه!»

امید دختر غزه‌ای

پرنده‌ها نمی‌ترسند

ساحل قره‌حسنلو

صدایش لرز داشت، مثل پرنده‌ای کوچک که در طوفان گیر کرده باشد. مریم بغضش را فرو داد، دست‌های کوچک بردارش را گرفت و آرام روی موهایش کشید:

– «ته عزیزم، نترس. ما قوی هستیم. خدا هوماون رو داره.» اما قلبش مثل طبل می‌کوبید و هر لحظه لرز بیشتری حس می‌کرد.

مادر با چهره‌ای رنگ‌پریده و صدایی لرزان وارد اتاق شد. چادرش نیمه روی زمین کشیده می‌شد و دستانش می‌لرزید. – «چه‌ها! سریع بیایید پایین. باید بریم توی زیرزمین.» پله‌های باریک خانه با هر قدم، مانند پلی شکننده به لرزه درآمدند. زیرزمین تاریک و مرطوب، تنها پناهگاه‌شان بود، جایی که بوی خاک نرزه‌د و رطوبت سنگ‌های قدیمی نفس کشیدن را سخت می‌کرد.

به مناسبت سالروز ورود حضرت معصومه به قم

ماه منیر

مرزها کنار می‌روند و آغوش می‌گشایند.

خورشید طوس، این‌بار اولین پرتو سلام را به پیشواز قافله‌ای می‌فرستد که معصومه را در کجاوه دارد. خاتون ماهرخ هاشمیان، قدم در ارض قم نهاده و هر منزل را از عطر موسی بن جعفر لریز کرده است. دل قم اینک حرم عشق است که قافلمه، رحل اقامت در آن می‌افکند. حالا جغرافیای ایران را در شرق، خورشید و در باختر، ماه منیری زیر سلطه نور دارند.

فاطمه فروغی‌فرد